فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال هشتم، شماره ۵ (پیاپی: ۳۷)، زمستان ۱۴۰۴

بررسی مسئولیت مدنی مسئولین آموزش و پرورش در قبال حوادث شناور و غیرمترقبه به دانش‌آموزان در مدرسه

فاضل عباسی منش [۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰
کد مقاله: ۶۰۱۴۷

چکـیده

محیط مدرسه یکی از حساس‌ترین بسترهای اجتماعی برای کودکان و نوجوانان است و هرگونه حادثه غیرمترقبه یا ناگهانی در این محیط، پیامدهای سنگینی بر سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان دارد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل مسئولیت مدنی مدیران، معلمان و نهاد آموزش و پرورش در قبال حوادث شناور و غیرقابل پیش‌بینی، و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و حقوقی انجام شده است.این پژوهش از نوع توصیفی ـ تحلیلی است و داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحلیل اسناد حقوقی، رویه‌های قضایی و مطالعات تطبیقی گردآوری شده‌اند.یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، مسئولیت نهادهای آموزشی در برابر حوادث غیرمترقبه گرایش به مسئولیت نوعی دارد. بسیاری از حوادث ناشی از ضعف ساختاری، نبود آموزش، فقدان تجهیزات ایمنی و بی‌توجهی نهادی بوده و قابل پیشگیری هستند. رویه قضایی نیز به‌طور فزاینده‌ای در حال پذیرش مسئولیت نهادی به جای صرفاً مسئولیت فردی است.با اصلاح قوانین، تقویت آموزش‌های حقوقی، تدوین دستورالعمل‌های اجرایی ایمنی، و ارتقای پاسخ‌گویی نهادی، می‌توان نظامی پایدار و عادلانه در جهت حفاظت از حقوق دانش‌آموزان در برابر خطرات غیرمترقبه در مدرسه ایجاد کرد.

واژگـان کلـیدی: مسئولیت مدنی؛ آموزش و پرورش؛ حوادث غیرمترقبه؛ ایمنی مدرسه؛ حقوق کودک

۱ – دانش آموختهٔ رشتهٔ حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه بین المللی خلیج فارس، ایران

۱- مقدمه

نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان بنیادین توسعه انسانی و اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری شخصیت، تربیت اخلاقی و ارتقای دانش نسل‌های آینده ایفا می‌کند. دانش‌آموزان به عنوان ذی‌نفعان اصلی این نظام، از حقوق بنیادینی همچون امنیت جانی، روانی و جسمی در محیط آموزشی برخوردارند و نهادهای مسئول مکلف‌اند تمامی تمهیدات لازم را جهت حفظ این حقوق اتخاذ نمایند (صادقی، ۱۴۰۰). در این میان، وقوع حوادث ناگهانی، غیرمترقبه و شناوری چون زلزله، ریزش سقف، گازگرفتگی، آتش‌سوزی، حملات حیوانی، سقوط در راه‌پله یا حتی شوک‌های الکتریکی در کارگاه‌های آموزشی، چالش‌هایی جدی در مسیر تحقق این تعهدات به شمار می‌رود. این حوادث به‌رغم آن‌که گاه ناشی از عوامل خارجی یا شرایط غیرقابل پیش‌بینی‌اند، با سازوکار مسئولیت مدنی قابل تحلیل و پیگیری‌اند.مسئولیت مدنی در مفهوم عام خود، به الزام افراد یا نهادها به جبران زیان‌هایی اشاره دارد که در اثر فعل یا ترک فعل آنان به دیگران وارد شده است. در حوزه آموزش و پرورش، این مفهوم زمانی به اوج اهمیت خود می‌رسد که صدمه یا خسارت وارده به دانش‌آموزان ناشی از فعل یا ترک فعل مسئولان مدرسه، از جمله مدیران، معلمان، یا کارکنان اداری باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۷). از آنجا که دانش‌آموزان در ساعات مشخصی از روز تحت نظارت و اقتدار مستقیم مسئولان آموزشی قرار دارند، پرسش از حدود و گستره این مسئولیت به ویژه در مواجهه با حوادث ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی، امری حیاتی است.حوادث شناور و غیرمترقبه در مدرسه دارای ویژگی‌هایی خاص‌اند که تمایز آن‌ها را از دیگر انواع حوادث مشخص می‌سازد. از جمله این ویژگی‌ها، می‌توان به نبود سابقه مشابه، سرعت وقوع، و عدم پیش‌بینی پذیری اشاره کرد (افشار، ۱۳۹۹). در چنین مواردی، مسئله اصلی آن است که آیا مسئولان آموزش و پرورش می‌توانند در قبال خسارات وارده به دانش‌آموزان مسئول شناخته شوند؟ آیا صرف وقوع حادثه کافی است تا مسئولیت متوجه نهاد آموزشی شود یا باید تقصیر یا کوتاهی اثبات گردد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، مستلزم بررسی دقیق مبانی نظری مسئولیت مدنی، تحلیل رویه‌های قضایی و قوانین ناظر بر حقوق کودک و آموزش است.

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی نهادهای دولتی از جمله آموزش و پرورش، تابع اصولی چون لزوم احراز تقصیر، وجود رابطه سببیت، و تحقق ضرر است (ره‌پیک، ۱۳۹۸). با این حال، برخی نظریه‌ها به‌ویژه در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مدرسه، به مسئولیت نوعی یا مسئولیت بدون تقصیر گرایش دارند؛ به این معنا که صرف وقوع حادثه در حیطه اقتدار و نظارت نهاد آموزشی، می‌تواند فرض تقصیر را پدید آورد، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود .(Tabatabaei, 2020) این دیدگاه، به‌ویژه در مواردی که دانش‌آموزان خردسال و فاقد توان دفاع از خود هستند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.ضرورت پرداختن به موضوع حاضر، از آن جهت است که در سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از وقوع حوادث غیرمترقبه در مدارس کشور منتشر شده که پیامدهای بعضاً جبران‌ناپذیری را برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان به‌دنبال داشته‌اند. برای نمونه، حادثه ریزش سقف مدرسه‌ای در استان سیستان و بلوچستان یا حادثه گازگرفتگی در یکی از مدارس روستایی استان فارس، نمونه‌هایی از این موارد هستند که واکنش‌های اجتماعی و حقوقی گسترده‌ای را برانگیختند. در این میان، پرسش از نقش پیشگیرانه و پاسخ‌گویانه آموزش و پرورش، بیش از پیش برجسته شده است (رضایی، ۱۴۰۱).در این مقاله، تلاش می‌شود ضمن تبیین مفهومی و حقوقی مسئولیت مدنی در بستر نظام آموزش و پرورش، ماهیت و ویژگی‌های حوادث شناور و غیرمترقبه در مدارس تحلیل گردد. همچنین، با بهره‌گیری از منابع حقوقی، فقهی و رویه قضایی، ابعاد مسئولیت مدیران، معلمان و سایر عوامل اجرایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پژوهش حاضر بر پایه روش تحلیلی ـ توصیفی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و مستندات قضایی انجام می‌شود.در راستای اهداف فوق، پرسش‌های اساسی زیر مطرح است: ۱ .در صورت وقوع حادثه غیرمترقبه برای دانش‌آموز در مدرسه، مسئولیت مدنی بر عهده کدام نهاد یا فرد است؟ ۲ .مبنای حقوقی این مسئولیت چیست و تحت چه شرایطی نهاد آموزش و پرورش ملزم به جبران خسارت می‌شود؟ در نهایت، ساختار مقاله به شرح زیر تنظیم شده است: در بخش دوم به مبانی نظری مسئولیت مدنی و ویژگی‌های حوادث غیرمترقبه پرداخته می‌شود؛ بخش سوم پیشینه پژوهش را مرور می‌کند؛ بخش چهارم به یافته‌های پژوهش با تحلیل مصادیق می‌پردازد؛ در بخش پنجم، بحث و تحلیل انتقادی ارائه می‌گردد و نهایتاً در بخش ششم، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای اجرایی ارائه خواهد شد.

۲-مبانی نظری

۲-۱-سئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران: مبانی و تطورات

مسئولیت مدنی، یکی از اصول بنیادین نظام حقوقی است که به الزام اشخاص حقیقی یا حقوقی به جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل زیان‌بار اطلاق می‌شود. این نهاد حقوقی ریشه در آموزه‌های فقهی، اخلاقی و قانونی دارد و در نظام حقوقی ایران نیز هم در قانون مدنی و هم در رویه قضایی، به‌عنوان ابزار تحقق عدالت ترمیمی به شمار می‌آید. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تصریح می‌کند که «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری از حقوق متعلق به افراد لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود،

مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹).در تبیین انواع مسئولیت، دو دسته‌بندی اصلی قابل شناسایی است: مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری (یا غیرقراردادی). در زمینه حوادث مدرسه، آنچه بیشتر محل بحث است، نوع قهری مسئولیت است که به‌واسطه وقوع فعل زیان‌بار بدون وجود قرارداد قبلی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، تقصیر عنصر محوری در تحقق مسئولیت مدنی است، مگر در موارد خاصی که قانون‌گذار مسئولیت را به‌صورت نوعی یا مطلق پذیرفته باشد. مفهوم تقصیر در نظریه کلاسیک بر سه عنصر: تجاوز از رفتار متعارف، ایجاد ضرر، و وجود رابطه سببیت بین تقصیر و ضرر استوار است (صفایی، ۱۳۹۴).با تحولات فقهی و حقوق تطبیقی، نظریات نوینی در زمینه مسئولیت بدون تقصیر و مسئولیت نوعی مطرح شده‌اند. این دیدگاه‌ها به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک، مسئولیت دولت و نهادهای عمومی، یا مسئولیت کارفرما نسبت به کارکنان، توسعه یافته‌اند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۱). در حوزه آموزش و پرورش نیز برخی نظریه‌ها معتقدند مسئولیت نهاد آموزشی در قبال حوادث غیرمترقبه، از جنس مسئولیت نوعی است، زیرا اصل بر مسئولیت نهادهای متولی حفظ امنیت است، مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد.(Sheybani, 2018) بدین‌ترتیب، مسئولیت مدنی در ایران، گرچه در ظاهر مبتنی بر تقصیر است، اما در مواردی مانند حوادث مدرسه، رویکردهای حمایتی‌تر در پیش گرفته است. به‌عنوان نمونه، در پرونده‌ای که در آن دانش‌آموزی به‌دلیل عدم نظارت مدرسه دچار سانحه شده بود، دیوان عدالت اداری با استناد به اصول حمایت از حقوق کودک، رأی به جبران خسارت داد (رأی شماره ۴۵۲، هیئت عمومی دیوان، ۱۳۹۸).

۲-۲-حوادث شناور و غیرمترقبه در محیط‌های آموزشی: تعریف، مصادیق و پیامدها

اصطلاح «حوادث شناور و غیرمترقبه» در حقوق عمومی و ایمنی، به رخدادهایی اطلاق می‌شود که به‌صورت ناگهانی و خارج از کنترل مستقیم انسان، در محیطی خاص روی می‌دهند و معمولاً قابلیت پیش‌بینی یا پیشگیری قطعی ندارند. در بستر مدرسه، این حوادث می‌توانند شامل مواردی چون زلزله، آتش‌سوزی ناگهانی، ریزش سقف، اتصال برق، نشت گاز، یا حتی حوادث ناشی از بازی یا درگیری میان دانش‌آموزان باشند (صمدی، ۱۳۹۹). ویژگی مشترک این رخدادها، فقدان قطعیت وقوع و تأثیر گسترده بر ایمنی دانش‌آموزان است.در نظام‌های آموزشی پیشرفته، مفهوم «مدیریت ریسک در مدرسه» به‌منظور پیشگیری از چنین رخدادهایی مورد تأکید قرار گرفته است. آموزش کارکنان، مانورهای ایمنی، تجهیز مدارس به امکانات اطفاء حریق و تهویه مناسب، نمونه‌هایی از این تدابیر است .(UNESCO, 2020) در ایران، آیین‌نامه اجرایی «ایمنی و بهداشت در مدارس» که از سوی وزارت آموزش و پرورش تدوین شده، به‌روشنی بر الزام مدارس به رعایت استانداردهای ساختمانی، بهداشتی و ایمنی تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۱).با وجود این مقررات، آمارهای منتشر شده توسط سازمان آموزش و پرورش کشور نشان می‌دهد که در یک بازه پنج‌ساله، بیش از ۸۰۰ مورد حادثه جدی در مدارس گزارش شده که عمدتاً به‌دلیل نواقص فنی، بی‌توجهی به هشدارهای ایمنی، یا عدم آموزش کارکنان رخ داده‌اند (رضوانی، ۱۴۰۰). پیامدهای این حوادث، علاوه بر صدمات جسمی به دانش‌آموزان، موجب نگرانی‌های گسترده والدین، لطمه به اعتماد عمومی و حتی افزایش هزینه‌های درمانی و حقوقی می‌گردد.در این میان، شناخت دقیق ماهیت حوادث غیرمترقبه، برای تحلیل حقوقی مسئولیت بسیار ضروری است. آیا هر حادثه ناگهانی، از مسئولیت نهاد آموزشی می‌کاهد یا به عکس، مسئولیت را تشدید می‌کند؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند بررسی ظرفیت‌های قانونی و رویه‌های قضایی در قبال چنین وقایعی است. مطابق نظریه‌های حقوق عمومی، دولت در برابر حفظ جان و سلامت شهروندان، حتی در شرایط اضطراری، تعهدی مثبت دارد .(Feldman, 2017) این تعهد در حوزه آموزش، با شدت بیشتری مطرح می‌شود، چراکه موضوع آن کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر هستند.

۲-۳-جایگاه فقه اسلامی در مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی

در فقه امامیه، مسئله جبران خسارت ناشی از تقصیر یا بی‌احتیاطی، تحت عنوان «ضمان» بررسی می‌شود. قاعده «من أتلف مال الغیر فهو له ضامن» و اصل «لا ضرر» از مهم‌ترین قواعدی هستند که بر الزام به جبران خسارت در صورت ورود ضرر به دیگری دلالت دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲). در زمینه حفاظت از جان افراد، قاعده «حرمت نفس» و «لزوم دفع ضرر محتمل» نیز نقش مهمی در تعیین مسئولیت ایفا می‌کنند.بر اساس آموزه‌های فقهی، مسئولیت فردی که بر دیگری ولایت دارد، افزون بر مسئولیت عام افراد است. در این راستا، نهاد آموزش و پرورش، به‌عنوان امین و ولی موقت بر اطفال و نوجوانان، موظف به مراقبت شدیدتر از جان و مال آنان است (صفایی، ۱۳۸۹). این مسئولیت نوعی تکلیف شرعی نیز دارد، زیرا ترک احتیاط لازم در محیطی که امانت‌های مردمی نگهداری می‌شوند، نوعی تضییع حق است.قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» نیز دلالت بر ضرورت رضایت شخص در ورود ضرر دارد و از آن می‌توان برداشت کرد که ورود ضرر به دانش‌آموزان در غیاب رضایت یا قصور مراقبان، موجب ضمان شرعی است. همچنین در مواردی که ضرر ناشی از ترک فعل است، فقها میان ترک فعل معهود (واجب) و غیرمعهود تمایز قائل شده‌اند و در صورت ترک وظایف مسلم قانونی از سوی مسئولان، مسئولیت ثابت می‌گردد (شاهرودی، ۱۳۹۸).بر این اساس، دیدگاه فقهی نه‌تنها با اصل مسئولیت نهاد آموزشی در صورت بروز حادثه مخالفتی ندارد، بلکه با تأکید بر وظیفه شرعی

مراقبت، مبنایی قوی برای الزام مدیران به پیشگیری از خطرات فراهم می‌سازد. در حقوق موضوعه نیز این دیدگاه بازتاب یافته، چنان‌که ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، امکان شکایت علیه نهادهای دولتی به دلیل قصور در انجام وظایف قانونی را فراهم کرده است.

۳-پیشینه پژوهش

مطالعه پیشینه پژوهش در هر حوزه علمی، زمینه‌ای برای شناخت خلأهای موجود، ارزیابی یافته‌های پیشین، و تبیین جایگاه پژوهش حاضر در بستر مطالعات انجام‌شده فراهم می‌آورد. در زمینه مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی در قبال حوادث مدرسه، علی‌رغم اهمیت روزافزون این موضوع در جامعه و نظام حقوقی کشور، پژوهش‌های موجود عمدتاً به صورت پراکنده، موضوع‌محور و غالباً محدود به مسئولیت مدیر یا معلم در حالت کلی بوده‌اند. پژوهش حاضر، با تمرکز ویژه بر حوادث «شناور و غیرمترقبه» و تحلیل نقش نظام‌مند مسئولان آموزش و پرورش در ابعاد نهادی، مدیریتی و ساختاری، تلاش می‌کند خلأهای موجود را پوشش دهد.در ادبیات داخلی، می‌توان به چند مطالعه مهم اشاره کرد .نیکوکار(۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان *بررسی مسئولیت مدنی معلمان در قبال صدمات وارده به دانش‌آموزان*، مسئولیت مدنی معلمان را در چهارچوب قانون مسئولیت مدنی تحلیل نموده و نشان داده است که در اغلب موارد، اثبات تقصیر معلم به‌عنوان شرط تحقق مسئولیت دشوار است، مگر آنکه ترک فعل فاحش باشد. این پژوهش بر ضرورت تدوین دستورالعمل‌های اجرایی برای نظارت بهتر بر فعالیت‌های کلاسی تأکید دارد، اما به‌طور خاص به حوادث غیرمترقبه نپرداخته است.در پژوهشی دیگر، شاکری و قنبری(۱۳۹۸) تحت عنوان *بررسی حقوقی مسئولیت دولت در قبال ایمنی مدارس*، با بهره‌گیری از نظریه‌های مسئولیت نوعی، به این نتیجه رسیدند که دولت به‌عنوان متولی ساخت، تجهیز و نظارت بر مدارس، حتی در صورت فقدان تقصیر شخصی، در برابر مخاطرات ناشی از نقص ایمنی فضاهای آموزشی مسئول است. این مقاله، از زاویه دید حقوق عمومی به مسئله پرداخته و تمرکز اصلی آن بر نقش دولت و نهادهای بالادستی بوده است.علیپور و محمدی (۱۴۰۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان *تحلیل حقوقی مصادیق قصور آموزشی در مدارس دولتی*، به بررسی رویه‌های قضایی مرتبط با شکایات اولیای دانش‌آموزان پرداخته و نشان داده‌اند که در اغلب آرا، دیوان عدالت اداری جانب خانواده‌ها را گرفته و قصور مدیر یا نهاد آموزش و پرورش را احراز کرده است. با وجود این، محدوده پژوهش صرفاً به حوادث ناشی از بی‌توجهی محدود می‌شود و شامل تحلیل حوادث غیرمترقبه نمی‌شود.از منظر حقوق تطبیقی، حسینی(۱۳۹۹) با بررسی تطبیقی نظام مسئولیت مدنی آموزش و پرورش در ایران و فرانسه، نشان داده است که در نظام فرانسه، اصل بر مسئولیت مدنی مدارس در قبال دانش‌آموزان در ساعات رسمی است، حتی اگر حادثه ناشی از علل خارجی باشد. این مسئولیت از نوع عینی است و بار اثبات عدم تقصیر بر عهده مدرسه است .(Hosseini, 2019) وی پیشنهاد می‌کند که در ایران نیز با اصلاح قانون، مسئولیت نوعی در حوادث مدرسه نهادینه شود.در سطح بین‌المللی، سازمان‌هایی چون یونسکو و یونیسف مطالعات گسترده‌ای درباره ایمنی مدرسه و حقوق دانش‌آموزان منتشر کرده‌اند UNICEF (2021) .در گزارش خود با عنوان ,*Safe Learning Environments*بر لزوم تدوین چارچوب‌های حقوقی مشخص برای پاسخ‌گویی نهادهای آموزشی در شرایط اضطراری تأکید دارد و کشورهای عضو را به ایجاد سازوکارهای جبران خسارت، آموزش کادر مدرسه، و ایجاد بیمه‌های مسئولیت فرا می‌خواند.همچنین Anderson & Wolfe (2017)در مقاله‌ای با عنوان *School Liability and Emergency Events*به بررسی مسئولیت قانونی مدارس در ایالات متحده پرداخته‌اند و بیان می‌دارند که دادگاه‌ها غالباً در صورت اثبات عدم پیش‌بینی‌پذیری کامل حادثه، مدارس را از مسئولیت مبرا می‌دانند، مگر آنکه مدرسه در اقدامات احتیاطی کوتاهی کرده باشد. این مقاله به تفکیک میان «حادثه قابل پیشگیری» و «حادثه قهری» پرداخته است و بر لزوم داشتن سندهای مدیریت ریسک مدرسه‌ای تأکید دارد.
نکته مهم در اکثر این پژوهش‌ها، تمرکز بر یکی از ابعاد مسئولیت است؛ یعنی یا مسئولیت فردی (معلم یا مدیر)، یا مسئولیت نهادی (وزارت آموزش و پرورش)، یا تحلیل مصداقی. اما پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی چندلایه، هم به مبانی نظری، هم به تحلیل حوادث خاص، و هم به نقش ساختاری و قانونی مسئولین آموزش و پرورش در قبال حوادث غیرقابل پیش‌بینی می‌پردازد. همچنین، در پژوهش‌های پیشین، عمدتاً تحلیل فقهی ـ حقوقی به صورت منفک از تحلیل آماری و قضایی صورت گرفته، در حالی که رویکرد این مقاله، تلفیقی از داده‌های حقوقی، نظری، فقهی و تجربی است.از سوی دیگر، فقدان مطالعات موردی دقیق از حوادث واقعی و بررسی پرونده‌های قضایی مرتبط، یکی از نقاط ضعف جدی در ادبیات موجود است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بهره‌گیری از اسناد موجود، به ویژه آرای صادره از دیوان عدالت اداری و محاکم عمومی، تصویر روشن‌تری از حدود مسئولیت نهادهای آموزشی ترسیم نماید.در مجموع، پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود مطالعات مفید درباره مسئولیت مدنی در نظام آموزشی، تمرکز مشخص بر مفهوم حوادث غیرمترقبه و بررسی پیوستار مسئولیت در ساختار آموزش و پرورش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقاله حاضر در پی آن است که این شکاف را با ارائه تحلیل‌های نظری و کاربردی پر نماید.

۴-یافته‌های پژوهش

۴-۱-تحلیل حقوقی مسئولیت مدیران و معلمان در قبال حوادث غیرمترقبه مدرسه‌ای

یکی از اصلی‌ترین نتایج پژوهش حاضر، تأکید بر نقش حقوقی مدیران و معلمان به عنوان مأموران اجرایی نظام آموزش و پرورش در قبال امنیت دانش‌آموزان در برابر حوادث غیرمترقبه است. مطابق با قوانین جاری، از جمله قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، قانون دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲) و آیین‌نامه‌های وزارت آموزش و پرورش، مدیر مدرسه مسئول مستقیم رعایت اصول ایمنی، ثبت و گزارش‌دهی خطرات، پیش‌بینی شرایط بحرانی و آموزش کارکنان و دانش‌آموزان است. معلمان نیز به موجب وظیفه مراقبتی (duty of care) در قبال دانش‌آموزان تحت نظر خود مسئول محسوب می‌شوند.در مواردی که حادثه‌ای نظیر ریزش سقف کلاس، برق‌گرفتگی ناشی از تجهیزات فرسوده یا وقوع آتش‌سوزی در مدرسه رخ دهد، دو سناریوی حقوقی قابل بررسی است:

۱ .اگر مدیر یا معلم با وجود آگاهی از خطر یا هشدارهای ایمنی، اقدامات احتیاطی لازم را انجام نداده باشد، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر به وی تعلق می‌گیرد.

۲ .اگر حادثه کاملاً غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر باشد و کلیه اقدامات پیشگیرانه اتخاذ شده باشد، بار اثبات تقصیر از دوش مسئول مدرسه برداشته می‌شود (قادری، ۱۴۰۰).

در برخی آرای دیوان عدالت اداری، مسئولیت مستقیم مدیر مدرسه در قبال جان دانش‌آموزان حتی در شرایط غیرمترقبه مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال، در رأی شماره ۶۳۳ مورخ ۱۳۹۸، دیوان آموزش و پرورش را به دلیل عدم ایمن‌سازی محوطه مدرسه در برابر سیلاب، علی‌رغم اطلاع قبلی از وضعیت جوی، مسئول شناخت و حکم به جبران خسارت جسمی دانش‌آموز صادر کرد (دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۸).نکته کلیدی آن است که از منظر حقوقی، وظیفه مراقبت در محیط آموزشی نه فقط در محدوده کلاس، بلکه در تمام فضای مدرسه جاری است. بنابراین، مسئولیت محدود به زمان آموزش نیست، بلکه شامل زنگ تفریح، زمان خروج، یا حضور در محیط مدرسه حتی برای فعالیت‌های فوق‌برنامه نیز می‌شود.(Mousavi, 2021) در حوزه فقهی نیز قاعده "من له الإشراف فعليه الضمان" دلالت دارد که هر کس بر جان یا مال دیگری تسلط یا نظارت دارد، در صورت وقوع حادثه در حوزه تسلطش، حتی اگر مباشر نباشد، ضامن خواهد بود (هاشمی، ۱۴۰۱). این مبنا، با اصول نوین مسئولیت نوعی هم‌راستا است که مسئولیت را بر اساس رابطه نظارت و اقتدار قانونی تعریف می‌کند نه صرفاً تقصیر .بنابراین، یافته‌ها نشان می‌دهد که خلأ در آگاهی مدیران از تعهدات قانونی و نبود نظام استاندارد ارزیابی عملکرد ایمنی مدارس، زمینه‌ساز ضعف در انجام وظیفه مراقبتی است و افزایش سطح آموزش حقوقی مدیران و تدوین چک‌لیست‌های ایمنی، ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌شود.

۴-۲-نقش نهاد آموزش و پرورش به عنوان شخصیت حقوقی در پیشگیری و پاسخ به حوادث مدرسه‌ای

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان شخصیت حقوقی مستقل، نه‌فقط در سطح نظارتی بلکه در سطح اجرایی نیز مؤثر است. این نهاد موظف است با اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه، استانداردهای ایمنی را در تمامی مدارس دولتی و غیردولتی به اجرا بگذارد. مطابق ماده ۲۲ قانون برنامه ششم توسعه، وزارت آموزش و پرورش مکلف به مقاوم‌سازی مدارس، تهیه تجهیزات ایمنی و تدوین برنامه‌های مدیریت بحران است (قانون برنامه ششم، ۱۳۹۵).در عمل، موارد متعددی از بی‌توجهی ساختاری به این الزامات مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، حادثه آتش‌سوزی در یکی از مدارس پیرانشهر در سال ۱۳۹۷ که منجر به مرگ چند دانش‌آموز شد، ناشی از استفاده از بخاری نفتی غیراستاندارد بود؛ در حالی که طبق مصوبات هیئت وزیران، استفاده از این تجهیزات در مدارس ممنوع اعلام شده بود (یوسفی، ۱۳۹۸).از منظر حقوقی، سازمان آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد دولتی، در صورت عدم اجرای وظایف مصرح در قانون، دارای مسئولیت مدنی خواهد بود. حتی اگر حادثه در اثر عوامل خارجی رخ دهد، اما فقدان اقدامات پیشگیرانه نظیر بیمه مسئولیت، آموزش مدیران، یا نظارت بر ساخت فضاهای آموزشی اثبات گردد، مسئولیت متوجه این نهاد خواهد بود.(Daneshfar, 2020) همچنین بررسی تطبیقی با کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها، وزارت آموزش و پرورش موظف است بودجه مستقلی برای ایمنی و بیمه عمومی دانش‌آموزان اختصاص دهد؛ اقدامی که در ایران هنوز به‌صورت نظام‌مند انجام نمی‌شود.
بر این اساس، یافته‌های پژوهش مؤید آن است که رویکرد غالب در نظام آموزش و پرورش ایران هنوز واکنشی است تا پیشگیرانه؛ و تغییر رویکرد به سمت ایمنی ساختاری، استانداردسازی، و مسئولیت‌پذیری نهادی، ضروری است.

۴-۳-تحلیل رویه قضایی و مصادیق مسئولیت در قبال حوادث غیرمترقبه در مدارس

تحلیل آراء صادره از محاکم عمومی و دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایرانی به‌ویژه در سال‌های اخیر، رویکرد حمایتی‌تری در قبال خسارات واردشده به دانش‌آموزان در حوادث غیرمترقبه اتخاذ کرده‌اند. این تغییر رویکرد، بیش از آن‌که ناشی از تغییر در قوانین باشد، حاصل تحول در فهم قضات از ماهیت مسئولیت نهادهای آموزشی و اصل حمایت از کودک است.در رأی شماره ۴۱۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، آموزش و پرورش به دلیل عدم تخصیص منابع برای مقاوم‌سازی ساختمان مدرسه، حتی با وجود عدم اثبات تقصیر فردی، مسئول جبران خسارات ناشی از ریزش دیوار مدرسه شناخته شد (دیوان عدالت اداری، ۱۴۰۰). این رأی، نقطه عطفی در پذیرش مسئولیت نهادی در قبال «شرایط نامطمئن» محسوب می‌شود.همچنین در پرونده‌ای دیگر، والدین یک دانش‌آموز که در جریان زلزله به‌دلیل ریزش سقف مدرسه دچار آسیب جدی شده بود، با طرح دعوی علیه آموزش و پرورش، توانستند با اثبات بی‌توجهی به اخطارهای قبلی بنیاد مسکن درباره فرسودگی ساختمان، حکم به جبران خسارت بگیرند (جعفری، ۱۴۰۱).نکته قابل تأمل در تحلیل این آرا، آن است که مسئولیت صرفاً در موارد «اثبات تقصیر آشکار» برقرار نشده، بلکه دادگاه‌ها به سراغ مفاهیمی چون «وظیفه عام مراقبت» و «نقض استانداردهای ایمنی مصوب» نیز رفته‌اند؛ که این موضوع گویای گذار تدریجی از مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت مبتنی بر ساختار است.(Vaezi, 2022) در مجموع، یافته‌های قضایی تأکید دارند بر این‌که:فقدان بودجه یا امکانات، عذر موجهی برای فرار از مسئولیت نهادهای آموزشی نیست؛اصول ایمنی، اولویت مطلق در محیط مدرسه دارد؛مسئولیت نهاد آموزش و پرورش در قبال حوادث، نوعی و ساختاری است، نه صرفاً فردی.

۵-یافته های تحلیل

یکی از مهم‌ترین ابعاد مسئولیت مدنی در نظام آموزش و پرورش، تعیین دقیق مرز میان مسئولیت فردی (مدیر یا معلم) و مسئولیت نهادی (سازمان آموزش و پرورش) در مواجهه با حوادث غیرمترقبه است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در اغلب موارد، تفکیک این دو نوع مسئولیت به‌سادگی امکان‌پذیر نیست؛ چرا که رابطه‌ای ارگانیک میان ساختار اداری، امکانات موجود، دانش تخصصی نیروی انسانی و فرهنگ حقوقی حاکم در مدرسه وجود دارد که باید به صورت تلفیقی مورد بررسی قرار گیرد.از یک سو، رویکرد سنتی حقوق مدنی ایران که بر پایه نظریه تقصیر بنا شده، متکی بر احراز رفتار نابجا، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی فرد زیان‌زننده است (شهیدی، ۱۳۸۸). این دیدگاه در بسیاری از پرونده‌های قضایی حوادث مدرسه، به دشواری در اثبات تقصیر مشخص از سوی والدین یا دانش‌آموزان انجامیده است. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر با گسترش مفاهیم حمایت از حقوق کودک و آموزه‌های نوین مسئولیت نوعی، تمایل به رویکردهای حمایتی‌تر از سوی محاکم افزایش یافته است. به‌ویژه در مواردی که نهاد آموزشی در جایگاه «امین عمومی» نسبت به افراد فاقد اهلیت کامل (دانش‌آموزان) قرار می‌گیرد، گرایش به مسئول دانستن نهاد به‌عنوان دارنده اقتدار و اختیار قانونی، بیشتر مشاهده می‌شود.(Rahimi, 2020) این تحول فکری را می‌توان در مقایسه با حقوق فرانسه نیز مشاهده کرد؛ جایی که طبق ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه (اصلاح‌شده ۲۰۱۶)، نهادها و مسئولان آموزشی مسئول اعمال افراد تحت مراقبت خود هستند، مگر آنکه اثبات شود تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع حادثه اتخاذ شده است .(Perreau-Saussine, 2018)این مدل مبتنی بر مسئولیت نوعی، بار اثبات تقصیر را از دوش زیان‌دیده برداشته و بر نهاد متولی تحمیل می‌کند. پیشنهاد پژوهش حاضر آن است که نظام حقوقی ایران نیز با اصلاح قانون مسئولیت مدنی و مقررات آموزشی، به سمت نهادینه‌سازی این مدل حرکت کند.از سوی دیگر، در حوزه اجرایی، ضعف نظارت‌های مستمر، نبود سیستم استاندارد ارزیابی ریسک مدرسه، و عدم تخصیص بودجه مشخص برای ارتقای ایمنی، از چالش‌های عمده‌ای است که مسئولیت نهاد آموزش و پرورش را در برابر مخاطرات افزایش می‌دهد. براساس گزارش رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس، حدود ۳۴٪ مدارس کشور در شرایط نامطلوب ایمنی ساختمانی قرار دارند و علی‌رغم تصویب طرح‌های بازسازی، روند اجرایی آن بسیار کند و ناکارآمد بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱).از منظر اقتصادی نیز، هزینه‌های ناشی از حوادث مدرسه، بسیار بیشتر از هزینه پیشگیری اولیه است. مطالعه‌ای توسط Karimi & Khajehpour (2021)نشان می‌دهد که متوسط هزینه جبران خسارت‌های ناشی از سوانح مدرسه در دهه اخیر، دو برابر بودجه‌ای است که می‌توان برای ایمن‌سازی کامل مدارس کشور در نظر گرفت. بنابراین، استدلال اقتصادی نیز بر لزوم اتخاذ رویکرد پیشگیرانه و تقویت مسئولیت‌پذیری ساختاری دلالت دارد.در حوزه فرهنگی، یکی از موانع عمده تحقق مسئولیت واقعی، عدم آموزش کافی مدیران و کارکنان مدارس درباره مسئولیت‌های قانونی خود است. بسیاری از مدیران مدرسه، اصول اساسی حقوق مسئولیت مدنی، نحوه تهیه گزارش حادثه، شیوه مواجهه با خانواده دانش‌آموز آسیب‌دیده و حتی الزامات قانونی بیمه مسئولیت را نمی‌دانند. پیشنهاد پژوهش حاضر این است که برنامه‌های آموزش حقوقی مستمر، با همکاری وزارت آموزش و پرورش و قوه قضائیه، برای کلیه مدیران مدارس به‌عنوان شرط صدور حکم مدیریت تدوین شود.(Torabi, 2022) در کنار این مباحث، مسئله اعتماد عمومی نیز قابل توجه است. هر حادثه‌ای که در مدرسه منجر به آسیب

جدی به دانش‌آموز شود و نهاد مسئول پاسخ‌گو نباشد، اعتماد والدین به سیستم آموزشی را تضعیف کرده و احتمال پیوستن به مدارس خصوصی یا حتی ترک تحصیل را افزایش می‌دهد. این موضوع، برخلاف اهداف کلان سیاست‌گذاری عدالت آموزشی و آموزش رایگان است. لذا، مسئولیت نهاد آموزش و پرورش تنها یک وظیفه قانونی نیست، بلکه یک وظیفه اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است که بر اعتبار نهاد دولت تأثیر می‌گذارد.نکته دیگری که در تحلیل یافته‌ها مشهود است، نبود رویکرد یکپارچه در آرای قضایی صادره در این حوزه است. برخی دادگاه‌ها، با استناد به نبود تقصیر مشخص، حکم به برائت نهاد آموزش و پرورش می‌دهند، در حالی که در پرونده‌های مشابه، دادگاه دیگر با تفسیر موسع از وظایف مراقبتی، حکم به مسئولیت صادر می‌کند. این پراکندگی، ناشی از فقدان رویه قضایی منسجم و نیز عدم تدوین دستورالعمل‌های قضایی تخصصی در حوزه حوادث مدرسه است.بر این اساس، تدوین «دستورالعمل دادرسی مسئولیت مدنی در مدارس» با همکاری قوه قضائیه، وزارت آموزش و پرورش و مرکز پژوهش‌های حقوقی پیشنهاد می‌شود.در نهایت، تجربه کشورهایی مانند ژاپن و فنلاند نیز نشان می‌دهد که کاهش حوادث مدرسه و افزایش پاسخ‌گویی نهاد آموزشی، به‌طور مستقیم با سطح آموزش مدیران، تجهیزات فنی، مشارکت والدین و حمایت قضایی مرتبط است .(Yamamoto, 2019) این الگوها می‌توانند به عنوان راهنماهای مؤثر برای طراحی نظام مسئولیت‌پذیری در ایران مورد استفاده قرار گیرند.بحث و تحلیل انجام‌شده بر یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی در حوزه آموزش و پرورش، مفهومی چندلایه است که باید از منظر حقوقی، اجرایی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. تفکیک میان مسئولیت فردی و نهادی، تأکید بر مسئولیت نوعی، ضرورت اصلاح ساختارهای ایمنی، و ایجاد سازوکارهای آموزش و پاسخ‌گویی، از مؤلفه‌هایی هستند که تحقق عدالت آموزشی و حمایت از حقوق دانش‌آموزان را تضمین می‌کنند.

۶-نتیجه‌گیری

مسئله مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی، به‌ویژه در برابر حوادث غیرمترقبه و شناور که با ماهیتی غیرقابل پیش‌بینی، ناگهانی و گاه فاجعه‌بار همراه هستند، یکی از مهم‌ترین مباحث در قلمرو حقوق عمومی و خصوصی معاصر است. در شرایطی که کودکان و نوجوانان به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه، ساعات قابل توجهی از روز خود را در اختیار نظام آموزش و پرورش می‌گذرانند، نقش مدیران، معلمان و نهادهای تصمیم‌گیرنده در تضمین ایمنی جسمی و روانی ایشان، امری بنیادی و غیرقابل‌چشم‌پوشی است. یافته‌های این پژوهش، با بررسی مبانی نظری، تحلیل رویه‌های قضایی، مطالعات تطبیقی و شواهد میدانی، بر ضرورت تقویت سازوکارهای پاسخ‌گویی قانونی و اجرایی آموزش و پرورش در قبال این‌گونه رخدادها تأکید می‌کند.نخست آنکه، تحلیل ساختار حقوقی مسئولیت مدنی در ایران نشان داد که هرچند مبنای این مسئولیت عمدتاً نظریه تقصیر است، اما در عمل و به‌ویژه در مورد نهادهای عمومی مانند آموزش و پرورش، گرایش به مسئولیت نوعی و ساختاری به‌ویژه در رویه‌های قضایی اخیر در حال رشد است. دادگاه‌ها با در نظر گرفتن رابطه‌ی اقتدار نهاد آموزشی و جایگاه حمایتی دانش‌آموزان، در موارد متعددی رأی به مسئولیت نهاد حتی بدون اثبات تقصیر شخصی داده‌اند. این تغییر نگرش از مسئولیت مبتنی بر فعل زیان‌بار به مسئولیت مبتنی بر «نظارت ساختاری»، نقطه عطف مهمی در تحول مسئولیت مدنی عمومی در ایران محسوب می‌شود.دوم آنکه، بررسی مصادیق حوادث شناور و غیرمترقبه در مدارس ایران — از جمله ریزش دیوار، آتش‌سوزی ناشی از تجهیزات فرسوده، برق‌گرفتگی در کارگاه‌ها، گازگرفتگی، سقوط از ارتفاع، درگیری‌های دانش‌آموزی و غیره — نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این حوادث، اگرچه در ظاهر «غیرقابل‌پیش‌بینی» تلقی می‌شوند، اما در واقع از فقدان مدیریت ریسک، نبود آموزش کافی و ضعف زیرساختی ناشی می‌شوند؛ لذا جنبه پیشگیری‌پذیری آن‌ها بیش از آن چیزی است که در ابتدا تصور می‌شود.سوم، در سطح سیاست‌گذاری، خلأ مقررات الزام‌آور برای پایش مستمر وضعیت ایمنی مدارس، فقدان نظام ارزیابی عملکرد مدیران در حوزه ایمنی، و عدم تخصیص بودجه کافی برای مقاوم‌سازی و استانداردسازی مدارس، از جمله عوامل مؤثر در استمرار آسیب‌پذیری محیط‌های آموزشی است. برای مثال، گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که بخش زیادی از مدارس کشور با سیستم گرمایشی غیراستاندارد، سیم‌کشی‌های فرسوده، و نبود خروج اضطراری مواجه هستند. بدیهی است که در چنین شرایطی، مسئولیت نهاد آموزش و پرورش صرفاً به بعد حقوقی محدود نبوده، بلکه جنبه‌ای سیاست‌گذارانه و مدیریتی نیز دارد.چهارم، تحلیل فقهی نیز نشان می‌دهد که در منابع اسلامی، قاعده‌هایی مانند «لا ضرر»، «من له الإشراف فعلیه الضمان»، و «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» مبنای محکمی برای پذیرش مسئولیت نهاد آموزشی در قبال زیان‌های وارده به دانش‌آموزان فراهم می‌سازد. بنابراین، تعارضی میان فقه اسلامی و آموزه‌های حقوق مدنی نوین در این زمینه وجود ندارد؛ بلکه می‌توان با ترکیب این منابع، چارچوبی جامع و متوازن برای مسئولیت‌پذیری نهادهای آموزشی طراحی کرد.پنجم، یافته‌های پژوهش به‌صراحت نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، نبود آموزش حقوقی و تخصصی برای مدیران و کادر مدارس، زمینه‌ساز رفتارهای ناآگاهانه و تصمیم‌گیری‌های ناقص در مواجهه با شرایط بحرانی است. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود که گذراندن دوره‌های آموزشی در زمینه حقوق مسئولیت، مدیریت بحران، ایمنی مدرسه و ارتباط با خانواده‌ها، به‌عنوان شرط احراز صلاحیت مدیریت مدرسه لحاظ شود.

منابع

- افشار، م. (۱۳۹۹). بررسی حقوقی مسئولیت مدارس در قبال حوادث ناشی از مخاطرات طبیعی. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۲(۳) ۵۵–۷۳.
- رضایی، س. (۱۴۰۱). تحلیل آماری و حقوقی حوادث غیرمترقبه در مدارس ایران. مجله حقوق عمومی، ۱۰(۲) ۱۱۲–۱۳۰.
- ره‌پیک، م(۱۳۹۸) حقوق عمومی و مسئولیت دولت. تهران: میزان.
- صادقی، ن(۱۴۰۰) نظام حقوقی حمایت از کودکان در فضای آموزشی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاتوزیان، ن(۱۳۹۷) قواعد عمومی مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
- جعفری‌لنگرودی، م.ج(۱۳۹۱) ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- صفایی، ن(۱۳۹۴) مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
- قانون مسئولیت مدنی. (۱۳۳۹). جمهوری اسلامی ایران.
- صمدی، ن. (۱۳۹۹). ایمنی و پیشگیری از حوادث در مدارس ایران. مجله سلامت محیط، ۸(۲) ۵۹–۷۲.
- رضوانی، ه. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی حقوقی حوادث مدرسه در ایران. مجله حقوق اجتماعی، ۹(۱)۹۰–۱۰۷.
- وزارت آموزش و پرورش(۱۴۰۱) آیین‌نامه ایمنی و بهداشت مدارس. تهران.
- مکارم شیرازی، ن(۱۴۰۲) تفسیر قواعد فقهیه. قم: دارالاعلم.
- صفایی، ح(۱۳۸۹) فقه و حقوق خانواده و مسئولیت‌ها. تهران: دانشگاه تهران.
- شاهرودی، م(۱۳۹۸) الضمان فی الفقه الإسلامی. قم: موسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- قاعده لا ضرر. (بی‌تا). در: نجفی، م. جواهر الکلام (جلد ۴۳). قم: دفتر نشر اسلامی.
- قانون دیوان عدالت اداری. (۱۳۹۲). جمهوری اسلامی ایران.
- علیپور، س.، و محمدی، ک. (۱۴۰۰). تحلیل حقوقی مصادیق قصور آموزشی در مدارس دولتی. مجله پژوهش‌های حقوقی کاربردی، ۱۰(۲)، ۸۵–۱۰۳.
- حسینی، م. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی نهاد آموزش و پرورش در ایران و فرانسه. فصلنامه حقوق تطبیقی، ۱۲(۴)صص۴۵–۷۰.
- شاکری، ف.، و قنبری، ن. (۱۳۹۸). بررسی حقوقی مسئولیت دولت در قبال ایمنی مدارس. مطالعات حقوق عمومی، ۹(۱) صص ۶۵–۹۰.
- نیکوکار، ع. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی معلمان در قبال صدمات وارده به دانش‌آموزان. فصلنامه آموزش و حقوق، ۸(۳) ۳۳–۴۸.
- قادری، م. (۱۴۰۰). مسئولیت مدیر مدرسه در قبال خسارات ناشی از سهل‌انگاری ایمنی. مجله حقوق عمومی، (۲) ۱۰۵–۱۲۴.
- دیوان عدالت اداری. (۱۳۹۸). رأی شماره ۳۳۶. سامانه آراء دیوان عدالت اداری.
- هاشمی، ع(۱۴۰۱) ضمان و تقصیر در فقه اسلامی. قم: پژوهشگاه فقه معاصر.
- یوسفی، ا. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی آتش‌سوزی مدرسه پیرانشهر و مسئولیت نهاد آموزش و پرورش. مجله حقوق عمومی ایران، ۸(۳) ۱۱۲–۱۳۰.
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. (۱۳۹۵). جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، م. (۱۴۰۱). بررسی پرونده‌های قضایی مربوط به حوادث مدرسه‌ای. مجله دادرسی و حقوق کودک، ۱۰(۱) ۸۵–۱۰۶.
- دیوان عدالت اداری. (۱۴۰۰). رأی شماره ۴۱۲. سامانه آراء دیوان عدالت اداری.
- شهیدی، م(۱۳۸۸) حقوق مدنی (مسئولیت مدنی). تهران: سمت.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۴۰۱) گزارش وضعیت ایمنی فضاهای آموزشی کشور. تهران.
- Anderson, J., & Wolfe, R. (2017). School liability and emergency events in the United States. Journal of Educational Law, 24(1), 51–72.
- Daneshfar, M. (2020). Structural negligence in Iranian public education system: A legal analysis. Middle East Law Review, 12(4), 73–95.
- Feldman, D. (2017). Public duties and civil liability in emergency contexts. Oxford Journal of Legal Studies, 37(4), 823–848.
- Karimi, M., & Khajehpour, A. (2021). Economic cost of school safety vs compensation for accidents in Iran. Iranian Economic Review, 25(2), 105–122.
- Mousavi, S. (2021). Legal accountability of school managers in unexpected incidents. Iranian Journal of Education Law, 9(1), 45–67.
- Perreau-Saussine, A. (2018). La responsabilité des établissements scolaires en droit français. Paris: Dalloz.
- Rahimi, S. (2020). Guardianship and liability in educational institutions: Iranian civil law in context. Journal of Comparative Law Studies, 8(3), 71–90.
- Sheybani, M. (2018). Civil liability of public entities in Iran: A doctrinal approach. Tehran University Law Review, 44(3), 210–235.
- Tabatabaei, M. (2020). The civil liability of public educational institutions in unexpected school incidents. Iranian Journal of Legal Studies, 7(1), 89–110.
- Torabi, N. (2022). Legal literacy and risk management in Iranian schools. Educational Policy Review, 14(1), 50–68.
- UNESCO. (2020). Safe schools framework: Disaster risk reduction and education. Paris: UNESCO Press.
- UNICEF. (2021). Safe learning environments: Policy recommendations. New York: UNICEF Publications.
- Vaezi, L. (2022). Judicial trends in civil liability of public educational institutions in Iran. Iranian Review of Legal Studies, 13(2), 44–66.
- Yamamoto, T. (2019). School disaster risk reduction: Lessons from Japan and Finland. Global Education Journal, 11(4), 89–113.